

فرخنده باد روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر و روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

یکصد و دهسال پس از سرکوب خونین کارگران شیکاگو در اول ماه مه ۱۸۸۶، مبارزه طبقه کارگر برای پایان دادن به ادامه ظلم و ستم سرمایه هنوز ادامه دارد. در این دوران طبقه کارگر توانسته است توانایی خود را در سازمان دهی موفقیت آمیز مبارزه ای بغرنج و همه جانبه جهت استقرار سوسیالیسم و پایان بخشیدن به استثمار سرمایه داری به نمایش بگذارد. پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در روسیه، تجربه ساختمان

کارگران و زحمتکشان!
کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن اول ماه مه، روز کارگر، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را صمیمانه به شما شادباش می گوید.
انجام شکوهمند مراسم اول ماه مه در تقویم مبارزات کارگری یک قرن اخیر پیوند گسست ناپذیری با تجدید عهد با مبارزه قاطع طبقه کارگر بر ضد ستم سرمایه جهانی و باور آن به پیروزی سیستم اجتماعی دارد که در آن برابری، برادری و عمیق ترین تجلیات عدالت اجتماعی جاری است.

ادامه در ص ۳

گزارش ۵۰ صفحه ای فرستاده ویژه سازمان ملل متحد به ایران سنی مبهم و محافظه کارانه!

و برخی نتیجه گیری ها است.
کاپیتورن در صفحه ۲۹ گزارش در بخش «نتیجه گیری ها» می نویسد: «فرستاده ویژه احساس می کند که با توجه به اینکه او مدت کوتاهی است مشغول این کار می باشد، نادرست خواهد بود اگر نتایج قطعی پیرامون مسایل گرفته شود. در این مرحله نتیجه گیری ها به ناچار در شکل مشاهدات، سؤال ها و روشن شدن زمینه هایی است که محتاج بررسی بیشتر است...»

ادامه در صفحه ۶

موريس کاپیتورن، فرستاده جدید سازمان ملل متحد به ایران، پس از گذشت شش ماه از آغاز مأموریتش، نخستین گزارش مفصل خود را پیرامون شرایط حقوق بشر در ایران در تاریخ ۱ فروردین ماه ۱۳۷۵ (مطابق با ۲۱ مارس ۱۹۹۶) منتشر کرد.

گزارش پنجاه صفحه ای کاپیتورن، شامل مقدمه، بررسی مسأله حقوق بشر در جهان امروز، توضیح منابع اطلاعاتی فرستاده ویژه، گزارش فعالیت های فرستاده ویژه، نامه نگاری ها، سؤالات طرح شده، گزارش سفر کاپیتورن به ایران

شورای نگهبان دژ استبداد و تاریک اندیشی

وظایف شورای نگهبان در سال های اخیر ایستادن در مقابل مصوباتی بوده است که از آنها کوچک ترین بویی از ترقی خواهی و دفاع از حقوق مردم بلند می شده است. بر اساس اصل ۹۶ قانون اساسی «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام اسلامی با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آن با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.» بر این اساس حتی در شورای نگهبان نیز فقهای عضو این ارگان از حقوق بیشتری از سایر اعضا برخوردارند و عملاً شش ققیه شورای نگهبان توانایی سد کردن هر قانونی را به دلیل عدم سازگار بودن آن با قوانین شرعی دارند. همچنین بر اساس اصل ۹۷ قانون اساسی اعضای شورای نگهبان می توانند در جلسات مجلس حضور پیدا کنند و نظر خود را پیرامون طرح و یا لایحه فوری به مجلس اطلاع دهند. بر اساس اصول ذکر شده

شورای نگهبان، در طول حیات رژیم جمهوری اسلامی همواره نقش ویژه ای را در حفظ و تحکیم پایه های ارتجاع و استبداد به عهده داشته و دارد. شورای نگهبان که وظایف، ترکیب و اختیارات آن در اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی بیان شده است، ۱۲ عضو دارد (شش فقیه و شش حقوق دان) و در اساس همان نقشی را عهده دار است که مجلس سنا در رژیم شاهنشاهی بر عهده داشت، البته با این تفاوت که اگر مجلس سنا در رژیم شاه یک ارگان تشریفاتی بود، شورای نگهبان در رژیم جمهوری اسلامی یکی از پر قدرت ترین ارگان ها در تعیین خط مشی و سمت حرکت رژیم «ولایت فقیه» بوده و هست. بر اساس اصول ذکر شده در قانون اساسی، اعضای شورای نگهبان را رهبر و یا شورای رهبری و مجلس تعیین می کنند. از ۱۲ نفر عضو این شورا، شش نفر ققیه از سوی رهبر و شش نفر حقوق دان، از میان حقوق دانانی که توسط شورای عالی قضایی به مجلس معرفی می شوند، برگزیده می شوند. یکی از مهمترین

ادامه در ص ۴

- تلاش گسترده جناح «رسالت» در آستانه دومین مرحله «انتخابات» در ص ۲
- ابطال «انتخابات» در اصفهان و چهار شهر دیگر در ص ۲
- راه اکتبر و نین ادامه دارد در ص ۵
- قانون روابط کارگری در آفریقای جنوبی - يك گام به پیش در ص ۸

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۷۸، دوره هشتم
سال دوازدهم، ۴ اردیبهشت ۱۳۷۵

کشتار مردم لبنان، درگیری های جدید در خاورمیانه و خطراتی که میهن ما را تهدید می کند

یورش تجاوزگرانه نیروهای ارتش اسرائیل به لبنان و کشتار غیر نظامیان این کشور که بر اساس آخرین برآوردها به صدها تن کشته، صدها مجروح و بیش از نیم میلیون آواره جنگی منجر شده است موجی از انزجار و نفرت علیه این اعمال ضد انسانی در سراسر جهان برانگیخت. روز پنجشنبه ۱۷ آوریل، در حالیکه رهبران کشورهای امپریالیستی همگی در دفاع از عملیات نظامی اسرائیل، با هدف سرکوب «حزب اله» در لبنان، سخن می گفتند و دولت اسرائیل مدعی بود که با استفاده از مدرن ترین سلاح های مخرب آمریکایی قادر است هدف های نظامی را با دقت و بدون آسیب به غیر نظامیان آماج قرار دهد، جهان شاهد کشتار بیش از صد انسان بی گناه و پناه گرفته در فرارگاه سازمان ملل بود و صحنه های تکان دهنده اجساد تکه تکه شده زنان و کودکان حتی سران کشورهای امپریالیستی را، وحشت زده از افکار عمومی مردم کشورشان، به تغییر عوام فریبانه موضع و فراخواندن اسرائیل به آتش بس و آدار کرد.

در کنار این تحولات، مذاکرات صلح میان اسرائیل و دولت سوریه در هفته های اخیر متوقف شد و آمریکا و اسرائیل ضمن تبلیغات سرسام آور درباره ضرورت برخورد قاطع با ریشه های اصلی تروریسم در منطقه،

ادامه در ص ۴

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!



موج جدید گرانی

افزایش رسمی قیمت کالاها و خدمات دولتی موجب ایجاد اولین نشانه های موج جدید گرانی در جامعه شده است. بر اساس تصمیم دولت، اخیراً قیمت فراورده های نفتی بین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. وزارت نفت جمهوری اسلامی هدف از این اقدام را اجرای «قانون برنامه دوم عمرانی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده» اعلام کرد. در این قانون، حذف تدریجی «پارانه [سوسید] فراورده های نفتی» پیش بینی شده است. همچنین، از آغاز سال جاری، نرخ مکالمات تلفنی، هزینه های پستی، مالیات انواع خودرو و بهای بلیط پروازهای داخلی نیز افزایش یافته است. علاوه بر کرایه وسایل نقلیه عمومی، بهای مایحتاج اولیه مانند سبب زمینی و پیاز نیز به شکلی بی سابقه رو به افزایش نهاده است.

تسریع روند خصوصی سازی در آموزش و پرورش

خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از وزارت آموزش و پرورش گزارش داد که با «طرحی فراگیر»، تأسیس واحدهای آموزشی «غیرانتفاعی» (یعنی خصوصی) را سرعت می بخشد و درصد بالایی از دانش آموزان را «با اعمال نظارت دولت» به «بخش مردمی [!!!]» می سپارد. بنا بر گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، «تا پایان برنامه دوم، ۲ میلیون و ۲۰۴ هزار و ۹۲۳ نفر دانش آموز، که ده درصد کل

دانش آموزان کشور هستند، زیر پوشش مدارس غیرانتفاعی قرار می گیرند».

اخراج ۸۰۰ ناظر انتخاباتی

محمد سلامتی، دبیرکل «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، در مصاحبه مطبوعاتی چند تن از اعضای «ائتلاف گروه های خط امام»، که در رابطه با بررسی مرحله اول انتخابات انجام گرفت، فاش کرد که «اعضای هیأت های نظارت، حدود ۸۰۰ تن از ناظران منتخب گروه های خط امام و جناح چپ را به طرق مختلف از صندوق ها بیرون کردند و اجازه حضور در حین شمارش آراء را به آنها ندادند».

ابطال انتخابات در اصفهان و چهار شهر دیگر

«شورای نگهبان» نتایج رأی گیری در شهرهای اصفهان، نطف آباد، نائین، میاندوآب و ملایر را باطل اعلام کرد. در اصفهان، از میان ۲۴۲ نفر نامزد انتخاباتی برای پنج کرسی نمایندگی این شهر در مجلس شورای اسلامی، تنها خانم «اخوان» موفق شده بود تا در مرحله اول آرای لازم را به دست آورد.

به دنبال باطل شدن انتخابات در اصفهان، «آیت الله طاهری» در نماز جمعه شدیداً به این امر اعتراض کرد و گفت که «شورای نگهبان» هیچ دلیلی برای این کار مطرح نکرده است. وی اعلام داشت که در این رابطه، شکایت مردم شهر خود را برای خامنه ای خواهد نوشت. بنا به گزارش روزنامه «سلام»، رادیو تلویزیون اصفهان از پخش این قسمت از سخنان امام جمعه شهر خودداری کرد. همچنین، اسحاق جهانگیری، استاندار اصفهان، ضمن اعتراض به «شورای نگهبان»، انتخابات اصفهان را «بهترین و عادلانه ترین» انتخاباتی که تاکنون در این شهر برگزار شده است توصیف کرد و گفت که میزان شرکت مردم در این دوره از انتخابات «۶۳ درصد» بود درحالی که در انتخابات دوره گذشته، در اصفهان تنها ۳۵ درصد از افراد واجد صلاحیت شرکت کرده بودند.

انصراف آلمان از تقاضای استرداد فلاحیان

دادگاه فدرال شهر برلن، که متهمین به قتل دکتر صادق شرفکندی و پاراننش را محاکمه می کند، اعلام داشت که وزارت دادگستری آلمان به علت مخاطراتی که

تقاضای استرداد علی فلاحیان، وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، برای آلمانی های مقیم ایران به بار خواهد آورد و زبانی که از این مسئله متوجه روابط بازرگانی آلمان با ایران می شود، تصمیم گرفته است که از این کار منصرف شود.

وام یک میلیارد مارکی

یک بانک آلمانی به نام «بانک تجارتنی آلمان و فرانکفورت» موافقت کرد تا مبلغ یک میلیارد مارک در اختیار پنج بانک ایرانی — بانک های: ملی، ملت، تجارت، صادرات و سپه — قرار دهد. این وام برای اجرای پروژه های میان مدت و بلند مدت صنایع نیمه سبک و سنگین و با مهلت بازپرداخت ۵ تا ۱۲ سال در اختیار بانک های مذکور قرار داده می شود. وزارت اقتصاد و دارایی ایران پرداخت این وام را تضمین کرده است. «بنگاه بیمه اعتبارات صادراتی آلمان (هرمیس)» نیز مجدداً تضمین صادرات به ایران را از سر گرفته است، اما برای دریافت وام توسط بانک های ایرانی، سقف معین حداکثر ۱۰۰ میلیون مارک در سال برای هر بانک ایرانی را تعیین کرده است.

طرح تشدید تحریم ایران در کنگوه آمریکا

طرح تشدید مجازات های اقتصادی ایران — طرح داماتو — که در دسامبر ۹۵ به تصویب مجلس سنای آمریکا رسیده بود، جندی پیش به صورت شدیدتری به اتفاق آرا از تصویب کمیته روابط بین المللی مجلس نمایندگان آمریکا نیز گذشت. طرح مصوب کمیته بین المللی مجلس نمایندگان، علاوه بر سرمایه گذاری در فعالیت های نفت و گاز ایران، انتقال تکنولوژی نفت به ایران را نیز جزو اعمال قابل مجازات برای شرکت های خارجی طرف معامله ایران تعیین کرده است. همچنین، این طرح به رییس جمهور آمریکا اختیار داده است تا هرگونه معامله را با شرکت های متخلف ممنوع سازد. با این وجود، روزنامه «فایننشال تایمز» در شماره اول آوریل خود نوشت که «تیه ری دسمارت»، مدیرعامل شرکت فرانسوی «توتال» اعلام کرده است که این شرکت علی رغم فشارهای واشنگتن، به اجرای طرح خود برای توسعه منابع نفت و گاز ایران ادامه خواهد داد.

تلاش گسترده جناح «رسالت» در آستانه مرحله دوم انتخابات

«لیبرال ها» توصیف کرد. خامنه ای نیز در مورد قدرت گرفتن «لیبرال ها» به «امت حزب الله» هشدار داد و گفت که اینها می خواهند مملکت را به آمریکا بفروشد. او از مردم خواست که به آنها رأی ندهند. با این وجود، دفتر خامنه ای، طی اطلاعیه ای که در روز ۲۵ فروردین سال جاری صادر نمود، اعلام کرد که شخص وی در انتخابات از جناح خاصی پشتیبانی نمی کند.

● محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران، نیز طی یک صحبت حمایت خود را از سخنان خامنه ای در رابطه با «لیبرال ها» اعلام کرد.

● مرتضی الویری، از مشاوران بانفوذ رفسنجانی، در پی حملات شدیدی که نسبت به او انجام گرفت، طی نامه ای از خامنه ای کسب اجازه کرد که به خاطر اتهاماتی که به او زده می شود از انتخابات کناره گیری کند. این تقاضای او با مخالفت خامنه ای روبرو شد. الویری قبلاً از احیاء روابط ایران و آمریکا جانبنداری کرده بود.

● ناطق نوری، جناح «کارگزاران» را با صفت

نقض قوانین انتخابات توقیف شده و شلاق خورده اند. نکته قابل توجه این است که کرباسچی، شهردار تهران و مسؤول مستقیم شهرداران شلاق خورده، از مؤسسين گروه «کارگزاران» است.

● احمد جنتی، دبیر «شورای نگهبان»، در خطبه های نماز جمعه دولت رفسنجانی را به سبب «کوتاهی در مبارزه با فساد و همچنین اتخاذ یک روش غیرقاطع در برابر آمریکا» مورد حمله قرار داد.

● بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه، مرحله دوم مبارزه انتخاباتی در جوی ناآرام شروع شد و رقابت میان دو جناح اصلی — رسالت و رفسنجانی — شدیدتر از مرحله قبلی است.

● در «مبارزات انتخاباتی»، کار دو جناح به پاره کردن پوسته های تبلیغاتی یکدیگر کشیده است به طوری که دادگستری تهران، در روز ۲۵ فروردین ماه، با صدور یک اطلاعیه کسانی را که اقدام به از بین بردن پوسته ها می کنند یا از امکانات دولتی برای تبلیغات انتخاباتی استفاده می کنند، تهدید به برخورد قانونی کرد.

● ناطق نوری، جناح «کارگزاران» را با صفت

به دنبال عدم موفقیت جناح «رسالت» در تأمین اهداف خویش در مرحله اول انتخابات، این جناح به تلاش گسترده ای برای موفقیت در مرحله دوم انتخابات دست زده و چنین به نظر می رسد که توانسته است در این رابطه رضایت خامنه ای را نیز به دست آورد.

علاوه بر ابطال انتخابات در ۵ شهر که منجر به حذف کاندیداهای پیروز وابسته به «رادیکال های اسلامی» و افراد مستقل شد، اقدامات و تبلیغات علیه گروه رفسنجانی نیز از سوی این جناح تشدید شده است. این تلاش ها در چارچوب رقابت میان دو جناح اصلی حاکم در رژیم «ولایت فقیه» و به طور عمده با تأکید بر این واقعیت که جناح رفسنجانی خواهان عادی کردن روابط و نزدیکی با آمریکا است، صورت می گیرد. نمونه هایی از این تلاش ها را برای اطلاع خوانندگان «نامه مردم» در زیر ذکر می کنیم:

● علی رازینی، رییس دادگستری تهران، اعلام داشت که سه نفر از شهرداران نواحی تهران به جرم

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای دیگر، علی رغم شکست برخی از این تلاش‌ها به دلیل مجموعه ای بفرنج از عوامل داخلی و خارجی گنجینه پربهایی را برای زحمتکشان جهان پدید آورده است. طبقه کارگر در انتهای قرن بیستم بر پایه تجربیات عینی خود و علی رغم تبلیغات گوش خراش رسانه های امپریالیستی مبنی بر شکست پایانی سوسیالیسم نفی همه جوانب مثبت حیات جوامع سابق سوسیالیستی و بی آینده بودن کوشش برای ایجاد سوسیالیسم، پتانسیل سوسیالیسم در تامین نیازهای واقعی مادی و معنوی انسان را دریافته است.

زحمتکشان کشورهای سوسیالیستی سابق با مقایسه زندگی خود تحت نظام سوسیالیستی و فقر سیاه و حاکمیت جنایت و فساد در ۵ سال حاکمیت نظام های پیرو «اقتصاد بازار» بطور بی سابقه و بی ابهامی قاطعانه به حمایت از سوسیالیسم و نیروهای سیاسی طرفدار سوسیالیسم برخاسته اند. آنچه که امروز در کشورهای سوسیالیستی سابق در اروپای شرقی و بخصوص در روسیه می گذرد اثبات این حقیقت است که هشت دهه پس از انقلاب اکتبر، بذری که بلشویک‌ها در جهان افشاندند با بزنامه های عدالت خواهانه خود آبیاری کردند، با دفاع قهرمانانه خود در جنگ جهانی دوم و مقابله با دیگر طرح های جهان سرمایه که به قصد خشکانیدن جوانه های جهان نو طراحی می شد، اکنون از درون باور توده های میلیونی به حقانیت سوسیالیسم و رسالت کمونیست‌ها به ساختمان آن، باروری و دیرپایی خود را به نمایش گذارده است. گرچه هنوز مبارزه ای سخت و دشوار در پیش پای طبقه کارگر جهانی است ولی از هم اکنون کاملاً روشن است که رخدادهای دوساله اخیر حکم بطلان پیش بینی های عجولانه «پایان تاریخ» و «مرگ کمونیسم» و «پیروزی اقتصاد بازار» را صادر کرده است.

در کشورهای پیشرفته سرمایه داری مبارزات متشکل کارگری از طریق اتحادیه های کارگری با اشکال متنوع در طلب حقوق پایه ای زحمتکشان، بالا بردن سطح زندگی، بهبود شرایط کار و حفظ محیط زیست ادامه یافته است. در این کشورها طبقه کارگر در صدد است که مانع تصاحب نتایج کاربرد انقلاب تکنولوژیک و بردن سودهای کلان از قبل آن توسط انحصارات بشود و در عین حال سدی در برابر هجوم سرمایه از طریق کاربرد انقلاب تکنولوژیک، به شرایط کار و زندگی کارگران ایجاد کند. اتحادیه های کارگری با تدوین سیاست های جامع و بفرنج توانسته اند به مقابله با سیاست دستبرد به دستاورد های طبقه کارگر بویژه در عرصه خدمات اجتماعی بپردازند. دستاورد های اخیر کارگران متحد در فرانسه، آلمان و ایالات متحده هم کارایی و هم تنوع این عرصه از مبارزه را نشان می دهد.

ما معتقدیم که علی رغم اهرم های قدرتمندی که در دست سرمایه داری انحصاری می باشد در صورتی که پیوندی منطقی بین نیروهای رادیکال معتقد به سوسیالیسم علمی با جنبش اتحادیه های کارگری این کشورها ایجاد شود و گردان های سندیکایی مختلف بتوانند برای اختلاف سلیقه ها و تفاوت نظریات غیر عمده به اتحادی اصولی دست یابند، طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری پیشرفته وزن عمده و موثری در تحولات آینده جهان ایفاء خواهد کرد.

در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه نیز طبقه کارگر علی رغم مشکلات ناشی از عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی و سرکوبگری رژیم های حاکم توانسته است بطور فزاینده ای نقش عمده شکل دادن به تحولات داشته باشد. مبارزات سندیکالیست های بنگلادش، ترکیه، پاکستان و دیگر کشورهای مشابه عملاً این حقیقت را ثابت می کند که طبقه کارگر متشکل تنها نیروی است که برنامه پیگیر، همه جانبه و عملی برای استقرار عدالت، تامین پیشرفت اجتماعی و اقتصادی این جوامع دارد.

حزب توده ایران در این فرخنده روز اول ماه مه، همبستگی رزمنده و قاطع خود را با مبارزات طبقه کارگر چه در دفاع از سوسیالیسم و چه علیه امپریالیسم و ارتجاع و چه در دفاع از صلح و عدالت در عرصه گیتی اعلام کرده و به زحمتکشان جهان درودهای برادرانه می فرستد.

کارگران و زحمتکشان ایران!

امسال شما در شرایطی به جشن همبستگی رزمی زحمتکشان جهان در اول ماه مه می پیوندید که هم وضعیت اجتماعی کشور از تمامی دوران ۱۷ ساله حیات رژیم «ولایت فقیه» وخیم تر است و هم مبارزه زحمتکشان اوج و دامنه ای وسیع تری پیدا کرده است. ادامه سیاست های ارتجاعی، ضد کارگری و بحران زا در سال گذشته عملاً رژیم را در بن بست بازگشت ناپذیری قرار داده است و حیات آن را قویاً زیر سؤال برده است. این وضعیت در درجه اول محصول عدم تجانس شکل حاکمیت ارتجاعی و عقب مانده رژیم «ولایت فقیه» با جهان در انتهای قرن بیستم و عدم امکان پاسخگویی آن به خواسته های جامعه پویا و متحول ایران می باشد. رژیم «ولایت فقیه» در حالیکه دست به گریبان یک تشنت بی سابقه و همه جانبه سیاسی است خود را با

بحران ژرف اجتماعی - اقتصادی روبرو می بیند. در طول سال گذشته مشخصه های بارز اقتصادی کشور ما تورم، رکود تولیدی و بحران ارزی ای بود که بر زندگی زحمتکشان فشاری کم سابقه وارد کرده است. نتایج ادامه جنایتکارانه جنگ هشت ساله و سیاست درهای باز در سال گذشته به صورت بحران بدهی های خارجی دهها میلیاردی رژیم خود را به نمایش گذاشت. علی رغم کوشش رهبران رژیم برای تمدید مهلت این وام ها، اثرات مخرب این قرضه ها که در صورت وجود یک حکومت کارداران و مردمی با توجه به منابع سرشار کشور هیچ نیازی به آن نبود، بصورت قطع سوبسیدهای مواد ضروری، بسته شدن کارخانجات، بیکاری توده ای و گرانی و کمبود ارزاق زحمتکشان را زیر فشار قرار داد. به گفته روزنامه «رسالت» در سال گذشته سرسید بدهی های کشور بیش از درآمد نفت بوده است. بدهی چند ده میلیاردی رژیم به موسسات مالی امپریالیستی، عملاً دست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را برای دست اندازی به اقتصاد میهن ما باز گذاشته و در عمل استقلال کشور را به مخاطره انداخته است. سیاست های عجولانه رژیم و فقدان هر نوع برنامه ریزی باعث ایجاد گرانی و تورم بی سابقه شده است. بانک مرکزی میزان تورم در ۹ ماهه اول سال ۷۴ را ۶۴٪ برآورد کرده است. در دی ماه بانک مرکزی اعلام کرد که در نیمه نخست سال ۷۴ شاخص قیمت کالا خدمات مصرفی در کشور ۵۲٪ افزایش داشته است. چنین افزایش بی سابقه ای در قیمت مایحتاج مردم عملاً زحمتکشان را بسوی گرسنگی و فقر سنگین تر کشانده است. روزنامه اطلاعات در ۲۴ مهر گذشته اعلام کرد که «از هر ۴ نفر ایرانی تنها یک نفر غذای مناسب دریافت می کند و از امنیت غذایی برخوردار است».

در تقابل با چنین وضعیتی است که طبقه کارگر میهن ما علی رغم ادامه سرکوب حقوق و آزادی های دموکراتیک و نبود قوانین کار مترقی به سازماندهی مبارزه ای شکوهمند و ابتکاری مبادرت ورزیده است. آنچه وجه مشترک تمامی این حرکت های اعتراضی کارگری می باشد در کنار صنفی بودن شعارهای آن در مورد حقوق بلاواسطه کارگران مجتمع های درگیر، منفرد ماندن آنان و نبودن هیچ ارتباط آگاهانه بین اعتراضات این مجتمع ها و کارگران واحدهای تولیدی دیگر است. در حالیکه جنبه اول یعنی صنفی بودن خواست های اعتراض کنندگان در شرایط کنونی منطقی و شاید ضروری باشد، در مورد وجه ثانی یعنی ارتباط دادن جنبش های اعتراضی زحمتکشان باید تدبیری عاجل اندیشید.

کارگران و زحمتکشان!

رژیم آزادی کش ولایت فقیه در بحران عمیق و همه جانبه ای فرورفته است، گرانی، تورم، فساد، بیکاری و باندبازی در جامعه غوغا می کند. اقشار وسیعی از مردم کشور بطور بی سابقه ای از رژیم فاصله گرفته اند. در چنین وضعیتی، زمینه پشتیبانی توده های هرچه وسیع تری از اعتصاب ها فراهم می شود. شما پرتوان ترین نیروی اجتماعی کشور هستید. هیچ دگرگونی بنیادی خلقی در جامعه بدون شرکت طبقه کارگر نمی تواند به موفقیت بیانجامد. تجربه انقلاب بهمین و پیروزی نهایی بر رژیم ستم شاهی جز از طریق عمل متحد و آگاهانه و متشکل شما حاصل نگردد. حزب توده ایران معتقد است که در این برهه از تاریخ کشورمان نیز طبقه کارگر نقشی عمده و حیاتی در جنبش ضد دیکتاتوری ایفاء خواهد کرد. در این جهت باید مبارزه در راه حقوق آزادی های سندیکایی را آگاهانه ترویج نمود. کارگران مبارز در روند احیاء سازمان های صنفی واقعی خود می بایست در جهت ایجاد هسته های مخفی رهبری سندیکاها و اتحادیه ها در درون کارخانه ها و کارگاه ها و در درجه اول کارخانه های بزرگ صنعتی عمل نمایند. مبارزه در راه اهداف عاجل جنبش مردمی کشور ما جز از طریق درک پیوند دیالکتیکی بین مبارزه برای آزادی های دموکراتیک و تلاش برای وصول خواست های صنفی و سیاسی طبقه کارگر و انعکاس این پیوند در شعارها و دستور کار جنبش موفقیت آمیز نخواهد بود.

کارگران آگاه! مبارزان انقلابی!

در شرایط کنونی، بحران ژرف اقتصادی اجتماعی حاکم بر کشور و نارضایتی وسیع ترین اقشار جامعه، زمینه جلب پشتیبانی کارگران و زحمتکشان را به مبارزه و فعالیت سازمان یافته فراهم ساخته است. از شرایط و امکانات موجود باید حداکثر بهره برداری را به سود پیشبرد امر سازماندهی زحمتکشان در راه خواست های اقتصادی و اجتماعی از طریق درآمیزی مبارزه مخفی و علنی، صنفی و سیاسی به عمل آورد.

خجسته باد روز اول ماه مه، روز جشن و همبستگی کارگران جهان
پیروز باد مبارزه کارگران و زحمتکشان میهن برای آزادی، استقلال، عدالت
اجتماعی و پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه»
درود بر طبقه کارگر رزمنده ایران
با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری!
استوار باد همبستگی بین المللی کارگران!

پیروز باد مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه»!

شورای نگهبان دژ ...

در قانون اساسی، شورای نگهبان در روند تدوین، تصحیح، رد یا تصویب قوانین، اختیارات نامحدود دارد و افزون بر این حق تفسیر قانون اساسی نیز بر عهده این ارگان است.

در ماه های اخیر، خصوصاً در جریان برگزاری پنجمین دوره «انتخابات» مجلس شورای اسلامی نقش ویژه و فوق العاده این ارگان که افزون بر آنچه در بالا گفته شد، وظیفه «نظارت استصوابی» بر «انتخابات» را نیز عهده دار بود، بیش از پیش آشکار گردید.

شورای نگهبان، نخست بیش از دو هزارتن از داوطلبین شرکت در «انتخابات» را ناصالح تشخیص داد و از شرکت در «انتخابات» محروم کرد و سپس پس از اعلام نتایج مرحله اول آرای تعدادی از حوزه های «انتخابات» را به دلایل مسخره باطل اعلام کرد. جنتی عضو فقهای شورای نگهبان در نماز جمعه تهران در توضیح نقش شورای نگهبان از جمله یادآور شد: «شورای نگهبان با وسواس و دقت تمام گزارش های رسیده را مطالعه ... می کند و پس از بررسی اگر به این نتیجه رسید که انتخابات سالم برگزار شده است به شکایات توجهی نمی کند ولی اگر انتخابات سالم نبود به حکم قانون و وظیفه ای که شورای نگهبان بر عهده دارد به ناچار انتخابات را باطل می کند... اگر شرایط مختل شد انتخابات سلامت خود را از دست می دهد، مثلاً اگر بین کاندیدها امکان رقابت نباشد و کاندیداهایی آقدر پول خرج کند که به دیگری میدان ندهد در این صورت انتخابات سالم برگزار نمی شود...» (روزنامه رسالت - شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۷۵).

البته جنتی به این سؤال که از سوی تعدادی از روزنامه های غیر وابسته به جناح حاکم طرح شده است که چگونه برخی از کاندیداهای «جامعه روحانیت مبارز» با استفاده از امکانات تبلیغاتی صدا و سیما و برخی از روزنامه ها ماه قبل به تبلیغ برای خود مشغول بودند، و این افراد اتفاقاً کسانی هستند که بیش از دیگران مورد تأیید سوری نگهبان و افرادی مانند جنتی می باشند، پاسخی نداد.

کار ابطال «انتخابات» در برخی از حوزه ها آقدر بی منطق و با دلایل مسخره انجام گرفته بود که با اعتراض های شدید محلی روبرو شد. به عنوان نمونه، به دنبال ابطال نتیجه «انتخابات» در اصفهان، آیت الله طاهری در نماز جمعه این شهر ضمن حمله شدید به این عمل شورای نگهبان از جمله گفت: «شورای نگهبان هیچ دلیلی برای این کار مطرح نکرده است.» رضوانی عضو فقهای شورای نگهبان در پاسخ به اعتراض ها علیه ابطال آرای تعدادی از حوزه های «انتخاباتی» اعلام کرد: «نظر شورای نگهبان درباره حوزه هایی که نتیجه انتخابات آنها باطل اعلام شده است قطعی است و هیچگونه احتمالی در مورد تجدید نظر در رای صادره وجود ندارد...» (رسالت ۱۵ فروردین ۱۳۷۵). برای

روشن تر شدن شیوه و چگونگی برخورد شورای نگهبان تنها کافی است به کارنامه سیاه این ارگان در هفده سال گذشته رجوع شود. شورای نگهبان نماینده منافع کلان سرمایه داری تجاری ایران و نماینده واپسگرا ترین و تاریک ترین اندیشه هایی است که امروز بر کشور ما حکومت می کند. شورای نگهبان از روزی که تشکیل شده است وظیفه ای جز تحکیم مواضع ارتجاع، ممانعت از هرگونه حرکت ترقی خواهانه و دشمنی با آزادی و پیشرفت اجتماعی نداشته و ندارد و در این رابطه یکی از حساس ترین و کلیدی ترین ستون های رژیم استبدادی «ولایت فقیه» است. فقها و حقوقدانان این شورا که مفتشین عقاید قرون وسطایی را در اذهان تعدادی می کنند، مظهر دشمنی با خلق و در یک کلام دژ تاریک اندیشی و استبداد هستند. این مفتشین عقاید، تجسم رژیم عوام فریب و خدعه گری هستند که با سوء استفاده از باور های اعتقادی و مذهبی مردم منافعشان را لگد مال می کنند، با دشمنانشان می سازند و انقلاب شان را به ضد انقلاب بدل می کنند. حتی آیت الله جنتی نیز در همان نماز جمعه این حقیقت را پنهان نمی کند که از نظر او و شرکای او حفظ رژیم «ولایت فقیه» مهمترین وظیفه است و گرنه باید فاتحه هم چیز را خواند. جنتی می گوید: «بعضی ها فراموش کرده اند که در نظام جمهوری اسلامی زندگی می کنند و به شکل غربی تبلیغ می کردند... به افرادی رأی دهید که به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی نخواهند با نام لبرالی و تحت عنوان آزادی پایه های تفکر اسلامی را بلرزاند و سست کنند، اگر افرادی خواهند با آزادی های غربی کار کنند باید فاتحه همه چیز را خوانند...» (رسالت - ۱۸ فروردین ۱۳۷۵). البته جنتی حق دارد نگران اوج گیری موج آزادی خواهی در ایران باشد و این ارزیابی او هم نادرست نیست که آزادی تضاد آشتی ناپذیری با او و طرز تفکرات حاکم بر رژیم «ولایت فقیه» دارد و بزرگترین خطری است که «نظام» کنونی را تهدید می کند. و اتفاقاً بر اساس همین تفکر است که آزادی کشی، ترور و اختناق در ایران به دستور افرادی مانند جنتی، ولی فقیه» و همفکرانشان در شورای نگهبان و سایر ارگان های قضایی و اجرایی رژیم سازمان دهی می شود و طیف وسیع دگر اندیشان از چپ تا مذهبی دستگیر شکنجه و اعدام می شوند.

کوتاه سخن: شورای نگهبان آئینه تمام نمایی از ماهیت و چگونگی عملکرد رژیم «ولایت فقیه» در کشور ماست. اگر کسی کوچکترین توهمی در مورد این رژیم و ماهیت آن دارد و می خواهد بداند که ایران را می خواهند به کجا ببرند، کافی است به عملکرد و کارنامه سیاه این حضرات، به ویژه کارنامه فقهای این شورا رجوع کند تا روشن شود که در ایران زیر حکومت «ولایت فقیه»، آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و استقلال به دست شورای نگهبان رژیم «ذبح شرعی» می شود تا تاریک اندیشی و استبداد بتواند به حیات نفرت بار خود ادامه دهد.

کشتار مردم ...

حجم قابل توجهی از سخنان خود را به نقش جمهوری اسلامی در حوادث تروریستی اخیر در منطقه اختصاص دادند.

در مجموع، برای نخستین بار پس از یورش نظامی امپریالیست ها به خلیج فارس، در پی جنگ ایران و عراق و جنگ در کویت، منطقه خاورمیانه باردیگر دستخوش درگیرهای نظامی جدید و تشنجات خطرناکی شده است که می تواند تمام منطقه را در خود فرو برد. به نظر می رسد که امپریالیسم آمریکا به این نتیجه رسیده است که می بایست پیاده کردن «نظم نوین جهانی» مورد نظر خود را در این منطقه استراتژیک سرعت بخشد. برای این منظور، آمریکا علاوه بر اسرائیل به عنوان همکار و شریک درجه یک خود در خاورمیانه، از همراهی ترکیه و برخی کشورهای عربی نیز برخوردار است.

برای آمریکا روشن است که پیاده کردن نظم مورد دلخواهش در منطقه، بدون حل «مسئله ایران» امکان پذیر نخواهد بود. به همین دلیل، تعیین تکلیف قطعی با رژیم جمهوری اسلامی، یا به راه آوردن آن، جای برجسته ای در سیاست امپریالیسم آمریکا در سطح منطقه دارد. نگاهی کوتاه به تحریکات اخیر دولت ترکیه در رابطه با تحولات منطقه، و همچنین اقدامات برخی از کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، ابعاد آنچه را که امپریالیسم آمریکا برای میهن ما تدارک دیده است روشن می کند.

سلیمان دمیرل، رئیس جمهوری ترکیه، چند روز پیش از بمب گذاری های اخیر در اسرائیل، طی پیامی به اجلاس «شورای همکاری های ترکیه و آمریکا» در واشنگتن، گفت که در اطراف ترکیه تحولاتی در شرف انجام است که نتایج این بحران ها می تواند عواقب جدی علیه غرب به وجود آورد و ترکیه برای مقابله با اینگونه تحولات و ایجاد اعتدال تلاش می کند. دمیرل در این پیام از جمله خواهان الحاق ترکیه به قرارداد تجارت آزاد میان آمریکا و اسرائیل شد.

بعد از حوادث بمب گذاری، رئیس جمهوری ترکیه در «کنفرانس شرم الشیخ» شرکت کرد و طی چند مصاحبه، مکرراً خواهان اتحاد نظامی با اسرائیل گردید. به طور همزمان، برخی مطبوعات ترکیه جمهوری اسلامی را به دست داشتن در آموزش و تجهیز افراط گرایان اسلامی ترکیه متهم کردند. «چیلر»، نخست وزیر سابق و عضو کابینه ائتلافی ترکیه، نیز از جمهوری اسلامی خواست که عدم دخالت خود را در آموزش عناصر ضربتی اسلامی در ترکیه به ثبوت

رساند. و از آن قابل توجه تر، «بلند اجویت»، رهبر حزب دموکرات چپ ترکیه و یکی از سیاستمداران قدیمی این کشور، طی یک سخنرانی در اسرائیل این گفته تحریک آمیز را بر زبان آورد که: «بخش مهمی از مردم ایران ترک زبان هستند و اگر ترکیه بخواهد می تواند ایران را زیر و رو کند!»

و بالاخره، روزنامه های اسرائیلی در روز ۱۷ فروردین ماه گزارش دادند که دولت این کشور و ترکیه یک «پیمان استراتژیک» دفاعی - امنیتی امضاء کرده اند که بر اساس آن، از جمله به نیروهای هوایی دو کشور اجازه داده می شود که در حریف هوایی یکدیگر به انجام پروازهای آموزشی بپردازند و از پایگاه های هوایی یکدیگر استفاده کنند.

امضای این پیمان با عکس العمل و مخالفت شدید دولت جمهوری اسلامی مواجه شد. رژیم ایران به دولت ترکیه هشدار داد که این قرار داد «امنیت ملی» ایران را تهدید می کند. و به دنبال بی نتیجه ماندن سفر معاون وزیر خارجه ترکیه به تهران به منظور توضیح «پیمان» مذکور، ابتدا تهران و سپس آنکارا اقدام به اخراج چهار دیپلمات یکدیگر نمودند.

اگر سفر «شیمون پرز» به قطر و عمان، و سخنان معاون وزارت خارجه امارات متحده عربی دایر بر «خطر امنی ایران» و تکرار ادعای مالکیت آن کشور به جزایر سه گانه تنب و ابوموسی را نیز به نقش جدید ترکیه در سطح منطقه اضافه کنیم، ابعاد خطری که میهن ما را تهدید می کند روشن تر می شود. اخبار فوق و تحولات سیاسی هفته های اخیر در خاورمیانه، نشان دهنده آن است که هدف اصلی امپریالیسم آمریکا، و همچنین اسرائیل به عنوان متحد استراتژیک آن در منطقه، تسریع استقرار «نظم نوین جهانی» در منطقه، و در چارچوب آن، روشن کردن تکلیف رژیم حاکم بر ایران (به صورت «رام» کردن آن یا هر شکل ضروری دیگر) می باشد. آنها بمب گذاری های اخیر را بهانه ای برای شتاب بخشیدن به این روند قرار داده اند.

این شرایط ضرورت هشیاری نیروهای مترقی، آزادیخواه و ضد امپریالیست ایران را نسبت به خطرات عظیمی که میهن ما را تهدید می کند ده چندان می کند و همه نیروهای آزادیخواه و استقلال طلب ایران را موظف می سازد که در کنار تشدید مبارزه ضد دیکتاتوری علیه رژیم «ولایت فقیه»، فعلاً نه در جهت افشا و مقابله با این برنامه های سلطه جویانه امپریالیسم نیز اقدام

راه لنین و اکتبر ادامه دارد!

گرامی باد ۱۲۶ مین زادروز ولادیمیر ایلیچ لنین، رهبر و آموزگار بزرگ پرولتاریای جهان!

یکصد و بیست و شش سال پیش، در ۲۲ آوریل ۱۸۷۰، ولادیمیر ایلیچ اولیانوف (لنین)، در شهر سیمبیرسک واقع در کنار رود ولگا دیده به جهان گشود. او در طول زندگی کوتاه ۵۴ ساله خود، نقشی بس عظیم و تعیین کننده در هدایت مبارزات کارگران و دیگر زحمتکشان جهان علیه نظام غارتگر سرمایه داری و به پیروزی رساندن اولین انقلاب سوسیالیستی در جهان ایفا کرد. هم از اینرو است که امروز نام جاودان لنین جای ویژه ای را در ذهن و قلب همه انسان های زحمتکش و ترقیخواه جهان معاصر به خود اختصاص داده است.

آموزش های لنین - مارکسیسم - لنینیسم - تبلور آگاهی و شناخت علمی پیشروترین طایفه داران جامعه بشری از ماهیت بنیادین دوران معاصر و محصول تجربیات چندین قرن مبارزه طبقاتی توده های استثمار شده در طول تاریخ بشری است. لنین نه تنها این تجربیات تاریخی را جمع بندی کرد و در مبارزه روزمره پرولتاریا علیه طبقات استثمارگر به کار گرفت، بلکه با بسط و گسترش جهان بینی مارکسیستی و تلفیق تئوریک آن با شرایط عینی دوران معاصر، سوسیالیسم علمی را از یک نظریه به یک واقعیت عینی جهانی بدل کرد. پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نه فقط درستی مارکسیسم - لنینیسم را به عنوان یک جهان بینی علمی به اثبات رساند، بلکه درایت لنین در کاربرد عملی این جهان بینی را نیز به نمایش گذاشت.

نظریه علمی لنین در مورد امپریالیسم به مثابه عالی ترین مرحله شد سرمایه داری؛ نظریه او درباره حزب پیشاهنگ طبقه کارگر به مثابه مرکز تلفیق جهان بینی سوسیالیستی با مبارزات روزمره صنفی طبقه کارگر و با دستاوردهای علمی - تاریخی مجموعه جامعه بشری، و رسالت تاریخی حزب پیشاهنگ در هدایت طبقه و به پیروزی رساندن انقلاب سوسیالیستی؛ نقش اساسی لنین در افشای ماهیت اپورتونیستی و رفرمیستی سوسیال دموکرات های انترناسیونال دوم؛ تئوری او در مورد «شوراهای کارگری» به مثابه پایگاه اساسی قدرت سیاسی دولت کارگری؛ و بالاخره نقش کلیدی و هوشمندانه او در هدایت روزمره و به پیروزی رساندن مبارزات انقلابی پرولتاریای روسیه و استقرار اولین دولت شوراهای در سطح جهان؛ همگی از نقش حیاتی لنین و آموزش های او در روند تکامل جامعه بشری و ژرفش اندیشه پیشرو انسانی در طول یکصد سال گذشته حکایت دارند.

لنین اهمیت شرکت فعال توده های زحمتکش را در اداره امور دولت سوسیالیستی هیچگاه فراموش نکرد. او از همه زحمتکشان دعوت می کرد تا برگرد شوراهای متحد شوند و جورانه اداره امور دولتی را به دست گیرند. لنین عمیقاً معتقد بود که سوسیالیسم طبق دستور و از بالا ایجاد نمی شود، بلکه تنها شرط ساختمان موفقیت آمیز آن، بهره گیری از نیروی خلاق توده های کارگران و زحمتکشان است. لنین در نوامبر ۱۹۱۷ در این باره گفت:

«قدرت شورایی چیست؟ این قدرت جدید که مردم اکثر کشورها هنوز نمی خواهند یا نمی توانند آن را درک کنند در چه چیزی نهفته است؟ سرشت این قدرت که به طور روزافزون در همه کشورها کارگران

بیشتری را بسوی خود می کشاند این است: در گذشته ثروتمندان و سرمایه داران به این یا آن شکل بر کشور حکومت می کردند، اما اکنون برای نخستین بار، حاکمیت کشور در اختیار طبقات، یا به عبارت دیگر توده های آن طبقاتی که پیش از این توسط سرمایه داری استثمار می شدند قرار گرفته است. حتی در دموکرات ترین و آزادترین جمهوری ها، تا زمانی که سرمایه در

حاکمیت زمین در مالکیت خصوصی باشد، حکومت همیشه در دست اقلیتی کوچک، که نه - دهم آن را سرمایه داران یا ثروتمندان تشکیل می دهند، باقی خواهد ماند.

«در این کشور، یعنی روسیه، برای نخستین بار در تاریخ جهان، دولت به شکلی سازماندهی شده که تنها کارگران و دهقانان زحمتکش، بدون استثمارگران، سازمان های توده ای خود یعنی شوراهای را تشکیل داده اند و این شوراهای همه قدرت دولتی را در اختیار دارند. به همین دلیل است که علی رغم اتهاماتی که نمایندگان بورژوازی سایر کشورها در مورد روسیه شایع کرده اند، واژه شورا نه تنها به یک واژه قابل درک بدل شده بلکه در سراسر جهان محبوبیت یافته و به واژه مورد علاقه کارگران و همه زحمتکشان بدل گشته است. و باز به همین دلیل است که علی رغم همه پیگردهایی که در کشورهای مختلف علیه کمونیست ها در جریان است، قدرت شورایی در آینده ای نه چندان دور به ناچار و به شکلی اجتناب ناپذیر در سراسر جهان به پیروزی خواهد رسید.»

اما لنین در مورد دشواری راه نوین و ناشناخته ای که طبقه کارگر می بایست برای پیروزی نهایی سوسیالیسم طی کند دچار هیچ توهمی نبود. او از همان ابتدا، به کسانی که به شکلی خوشبینانه پیروزی نهایی سوسیالیسم را در پس اولین پیچ تاریخ می دیدند چنین هشدار داد:

«ما به خوبی از کمبودهایی که هنوز در سازماندهی قدرت شورایی در این کشور وجود دارند آگاهیم. قدرت شورایی یک طلسم معجزه آسا نیست و نمی تواند یک شبه ما را از شر بی سوادی، بی فرهنگی، اثرات جنگ وحشیانه، و میراث سرمایه داری غارتگر خلاص کند. اما راه رسیدن به سوسیالیسم را هموار خواهد کرد. قدرت شورایی به استثمارشدگان سابق فرصت خواهد داد تا کمر خود را راست کنند و هرچه بیشتر زمام حکومت کشور، زمام اداره اقتصاد، و زمام مدیریت تولید را در دست خود بگیرند.



امروز، یعنی یکصد و بیست و شش سال پس از تولد لنین و نزدیک به هشتاد سال پس از پیروزی انقلاب اکتبر، دشمنان طبقه کارگر می کوشند تا عقیده های موقت سوسیالیسم را ناشی از نادرستی آموزش های لنین اعلام کنند. اما این چیزی جز یک دروغ تبلیغاتی برای گمراه کردن زحمتکشان نیست. این عقیده تاریخی نه ناشی از نادرستی نظریات و آموزش های لنین، بلکه نتیجه تخطی از این آموزش ها و انحراف از اصول بنیادین جهان بینی علمی مارکسیسم - لنینیسم است. اما این چیزی جز یک امپریالیسم از سوی دیگر، بوده است. حزب توده ایران قاطعانه معتقد است که نام لنین و آموزش های علمی او همچنان پرچم ظفرنمون تمام نیروهایی است که علیه امپریالیسم و ارتجاع، و در راه صلح، ترقی اجتماعی و دموکراسی و سوسیالیسم می رزمند - پرچمی که علی رغم عقیده های موقت نیروهای هوادار سوسیالیسم، پیروزمندان در سراسر کره زمین برافراشته خواهد شد. همان طور که لنین به درستی تأکید کرده است:

«تنها یک انقلاب پرولتاری سوسیالیستی می تواند بشریت را از بن بست که امپریالیسم و جنگ های امپریالیستی برای آن ایجاد کرده اند رهایی بخشد. به رغم هرگونه مشکل احتمالی که انقلاب با آن مواجه خواهد بود، به رغم هر عقیده موقت یا موج ضد انقلابی که با آن روبرو خواهد شد، پیروزی نهایی پرولتاریا اجتناب ناپذیر است.»

حزب توده ایران یکصد و بیست و ششمین زادروز ولادیمیر ایلیچ لنین، رهبر و آموزگار بزرگ پرولتاریای جهان را به همه رهروان راه او و مدافعان منافع کارگران و زحمتکشان ایران و جهان تهنیت می گوید و بار دیگر دست اتحاد و همکاری خود را برای مبارزه مشترک در راه استقرار جامعه ای عاری از هرگونه استثمار و سرکوب طبقاتی به سوی همه آنان دراز می کند.

ادامه: گزارش فرستاده ویژه سازمان ملل متحد به ایران

به عبارت دیگر بر خلاف انتظار وسیع همه نیروهای مترقی که آقای کاپیتورن قاعدتاً می بایست کار ناتمام رونالدو گالیندوپل را پیگیری و انجام دهد، آقای کاپیتورن کار بررسی حقوق بشر در ایران را از نو آغاز می کند و در این گزارش اشاره ای به پیگیری پیشنهادها و نتیجه گیری های گرفته شده از سفر قبلی به تهران نیز موجود نیست. نکته دیگر اینکه حتی در شرایطی که آقای کاپیتورن توانسته است در دیدارهای خود با افراد گوناگون از جمله زندانیان سیاسی، اطلاعات مستندی پیرامون سرکوب خشن حقوق بشر در ایران به دست آورد، فرستاده ویژه نتوانسته است به نتایج مشخص و قاطعی دست یابد و تنها در بخشی از نتیجه گیری گزارش می نویسد: «به نظر فرستاده ویژه، در بسیاری زمینه ها، نگرانی های جدی پیرامون مسأله حقوق بشر در جمهوری اسلامی وجود دارد...» کاپیتورن در همین بخش به این موضوع مهم اشاره می کند که مسأله حقوق بشر در شکلی که در منشور جهانی سازمان ملل آمده است و جهانشمول بودن آن مورد قبول و توافق سران رژیم نیست و این موضوع از مشکلات کلی است که در این زمینه وجود دارد.

در مجموع گزارش موریس کاپیتورن در بسیاری زمینه ها مبهم و لحن آن با توجه به سابقه سیاه رژیم جمهوری اسلامی در زمینه سرکوب حقوق بشر بسیار محافظه کارانه است. به نظر می رسد که آقای کاپیتورن تلاش کرده است تا با رقیق کردن محتوای گزارش، شرایط ادامه همکاری رژیم جمهوری اسلامی را با خود فراهم آورد و در این عرصه بسیاری از نتیجه گیری های روشن که اسناد محکومیت رژیم است جای خود را به سؤال هایی داده است که آقای کاپیتورن در گزارش خود طرح می کند. نکته جالب اینکه حتی رجایی خراسانی مسوول «کمسیون حقوق بشر مجلس شورای اسلامی» در دیدار با کاپیتورن به این موضوع اشاره می کند که کار این «کمسیون مجلس» به دلیل بی اعتقادی و یا به قول رجایی «عدم درک مسأله» از سوی برخی بخش های حاکمیت «با دشواری های زیادی روبرو بوده است».

ما در اینجا بخش هایی از گزارش را برای توجه خوانندگان «نامه مردم» نقل می کنیم.

• درباره زندانیان سیاسی

کاپیتورن در سفر خود به ایران از زندان اوین دیدن می کند و در جریان دیدارش با لاجوردی، و تعدادی از زندانیان سیاسی دیداری دارد. اسامی زندانیان سیاسی که کاپیتورن با آنها ملاقات می کند عبارتند از: بهنام مینافی و کیوان خلاج آبادی (متهم به بهایی بودن)، احمد باختری (عضو سازمان چریک های فدایی (اقلیت)، بهرام جعفری دینانی (زندانی سیاسی)، رضا جعفری (کشیش پروتستان)، هدایت الله زنده دل (یهودی و متهم به خرابکاری اقتصادی و جاسوسی) و عباس امیر انتظام نخستین سخنگوی دولت جمهوری اسلامی است. بر اساس گزارش موریس کاپیتورن اوضاع جسمی این زندانیان خوب به نظر می رسد و آنها از وضع خود در زندان مجموعاً راضی بودند.

آقای کاپیتورن در خانه ای در مجاورت زندان اوین با آقای امیر انتظام ملاقات خصوصی می کند و در این زمینه در گزارش می خوانیم: «آقای امیر انتظام از اینکه در جریان محاکمه اش، با خواست او برای داشتن وکیل مدافع و هیأت منصفه در دادگاه

مخالفت شده بود، شاک می خورد. پس از محاکمه نامبرده ۵۵۰ روز در زندان انفرادی به سر می برد و بعداً به مدت ۱۶۰ روز در سلولی به طول و عرض ۱/۲ متر محبوس بوده است... او در همین مدت سه بار به مرگ تهدید شده است و به دلیل استفاده از داروهای مخدر یازده بار برای عمل در بیمارستان بستری شده است. و در چهار سال نخست دوران زندانی بودنش از داشتن قلم، مطالب برای خواندن و نوشتن محروم بوده است... بر اساس ادعای امیر انتظام در یک شب در سال ۱۹۸۱ از زندان اوین ۱۱۰۰ زندانی سیاسی که اکثراً از گروه های چپ بودند اعدام شده اند. به گفته او از سال ۱۹۸۹ شرایط در زندان اوین به تدریج بهتر شده است...»

«... برخی از زندانیان سیاسی از انتقام گیری مسوولان زندان علیه آنها خصوصاً بعد از دیدار آنان با فرستاده قبلی سازمان ملل، در سال ۱۹۹۱، شکایت می کردند. آقای امیر انتظام در این زمینه خصوصاً گفت که او به این دلیل به حدی مورد آزار و شکنجه قرار گرفت که نزدیک بود شنوایی گوش چپ خود را از دست بدهد...»

• تور و آدم ربایی

موریس کاپیتورن در گزارش خود به چند نمونه مشخص در این زمینه اشاره می کند. به گفته او یکی از تازه ترین گزارش هایی که او در این زمینه دریافت کرده ناپدید شدن و قتل مشکوک مولوی احمد سید، از رهبران سنی است، که در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۹۶ در فرودگاه بندر عباس ناپدید می شود. به گفته موریس کاپیتورن: «ادعا می شود که او توسط شش تن از پاسداران دستگیر می شود و بعداً به دست آنان اعدام می گردد. وی قبلاً در سال ۱۹۹۰ در بندر عباس دستگیر و پنج سال در زندان بسر برده بود...» از نمونه های دیگر ناپدید شدن و قتل مشکوک احمد امیر علایی نویسنده و مترجم سرشناس ایرانی است که در ۱۴ نوامبر سال ۱۹۹۵ در اصفهان اتفاق افتاده است.

«فرستاده ویژه همچنین اطلاعات مفصلی پیرامون ترور و خشونت علیه ایرانیان خارج از کشور دریافت کرده است. بر اساس آماری که از سوی منابع گوناگون در اختیار او گذاشته شده است، این اعمال همچنان ادامه دارد... فرستاده ویژه گزارش هایی در باره ناپدید شدن و ظاهراً ربودن علی توسلی، ۴۵ ساله در باکو در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۵ دریافت کرده است. آقای توسلی، تاجر، و از فعالان سابق سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بوده است...»

«فرستاده ویژه همچنین گزارشی در باره ترور خانم زهرا رجیبی و عبدالعلی مرادی که اولی از افراد برجسته شورای ملی مقاومت و دومی از هواداران این سازمان بوده اند، در شهر استانبول ترکیه دریافت کرده است...» فرستاده ویژه همچنین پس از بازگشت خود از ایران گزارش هایی از حزب دموکرات کردستان (رهبری انقلابی) پیرامون ترور افراد این سازمان در خاک عراق دریافت کرده است.

• دموکراسی

موریس کاپیتورن بخشی از گزارش خود را به مسأله «انتخابات» پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی اختصاص داده است و از جمله می نویسد: «در حالی که احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی موجود نیستند،

تعدادی گروه، فراکسیون و یا جریان وجود دارند که اعضا و هواداران آنها بسیار سیال است. تعداد کمی از این جریان ها مواضع مشخص در حد یک برنامه سیاسی دارند... داوطلبین نمایندگی می بایست از سوی شورای نگهبان مورد تأیید قرار گیرند. در ۱۸ فوریه اعلام شد که از ۵۳۵۹ داوطلب تنها ۲۸۷۲ نفر صلاحیت شان تأیید شده است که در میان آنها ۱۷۹ زن و ۱۸ نفر از اقلیت های مذهبی وجود داشتند...

برخی در رسانه های گروهی از اینکه صلاحیت بیش از ۴۰٪ از کاندیداها توسط شورای نگهبان رد شده است، انتقاد کردند... یکی از مسایل مهم در این زمینه اساسی است که شورای نگهبان موضوع صلاحیت و یا عدم صلاحیت داوطلبین را مبنای تصمیم گیری قرار داده بود، خصوصاً این موضوع که داوطلبان می بایست التزام خود را به «ولایت فقیه» اعلام می کردند... ۱۵ نفر از افراد وابسته به نهضت آزادی... خود را برای شرکت در انتخابات داوطلب کرده بودند که تنها چهار تن از آنان صلاحیت شان مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس گزارش روزنامه ها این چهار تن بعداً به دلیل آنکه به آنان اجازه داده نشد تا نظرات و عقاید خود را به اطلاع عموم برسانند از شرکت در انتخابات خودداری کردند...»

• شرایط زنان

«شرایط زنان در جمهوری اسلامی بازتاب وسیعی در رسانه های بین المللی خصوصاً در جریان کنفرانس جهانی زن در چین، پیدا کرد... در یک سطح مسأله برخورد میان سکولاریسم و مذهب است و این بحث که غرب بهای سنگینی برای گام گذاشتن در راه سکولاریسم مطلق پرداخته است... به نظر می رسد که در برخی عرصه ها بهبود شرایط زنان در برخی عرصه ها فعالانه مورد بحث است، اگر چه این بحث ها در سطح تعیین سیاست های دولت نیست. یکی از زمینه ها محدودیت ها در عرصه فعالیت های اجتماعی زنان است...»

فرستاده ویژه معتقد است که شرایط زنان در جمهوری اسلامی حقیقتاً با شرایط مردان در عرصه های گوناگون مساوی نیست... با این وجود می توان پیشرفت های مهمی را در برخی از این زمینه ها ایجاد کرد، بدون آنکه با اعتقادات و برداشتهای اسلامی برخوردی پیدا کند...»

بر اساس گزارش آقای کاپیتورن و طبق گفته لاجوردی رییس سازمان زندان ها بر اساس آمارهای سال ۱۹۹۵، ۹۸ هزار زندانی در ایران وجود دارد، که بخش اساسی آنان از قاچاقچیان مواد مخدر و مجرمان عادی تشکیل شده اند. یکی دیگر از موضوع های مورد بحث موریس کاپیتورن با مقام های ایرانی بالا بودن تعداد اعدام ها در ایران است که بر اساس ادعای مقام های ایرانی اکثر آسانی هستند که به جرم مواد مخدر دستگیر شده اند. در این گزارش همچنین به موضوع محدودیت برای مطبوعات اشاره شده است و موریس کاپیتورن در دیدار خود از تهران با عباس معروفی مدیر مجله گردون دیدار و گفتگو می کند. گزارش همچنین به وضعیت بهائیان و همچنین وضع دستگاه قضایی جمهوری اسلامی و چگونگی عملکرد این دستگاه برخورد کرده است.

علی رغم برخورد نسبتاً خصمانه روزنامه «رسالت» با این گزارش از عکس العمل های رهبران رژیم، می توان دریافت که آنان از محتوای این گزارش، و مقایسه با گزارش های گذشته، چندان ناراضی نیستند.



روسیه

با نزدیک شدن موعد انتخابات ریاست جمهوری نشانه های جدی از تلاش بوریس یتسین و کمپ ارتجاعی طرفداران او در داخل و خارج روسیه برای جلوگیری از پیروزی گنادی زیوگانف، رهبر حزب کمونیست که از یتسین و همه رقبای دیگر خود پیشی گرفته است، به چشم می خورد.

در چند هفته اخیر شایعه یک شبه کودتا با هدف انحلال پارلمان و تمویق انتخابات خردادماه، دخالت مستقیم غرب در حمایت از کارزار انتخاباتی یتسین با کمک های ویژه چند میلیون دلاری و گسیل مشاوران ویژه انتخاباتی رهبران غرب و همچنین اوج گیری یک کارزار ناسالم تبلیغاتی از طریق رسانه های گروهی که از سوی دولت یتسین در انحصار گرفته شده اند. در روز ۲۷ اسفند ماه ۴۸ ساعت پس از رای قاطع پارلمان برای احیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، مقامات دولتی با بستن خیابان های اطراف پارلمان و ایجاد باریکاد در پیرامون پارلمان از ورود نمایندگان به پارلمان ممانعت کردند. حزب کمونیست فدراسیون روسیه اعلام کرده است که این بخشی از کوشش ناموفق عده ای از اطرافیان سرسخت یتسین جهت متقاعد کردن او به انحلال پارلمان و تعطیل انتخابات به بهانه غیر قانونیت رای پارلمان بوده است. یتسین این مساله را تکذیب کرد و در جریان یک مصاحبه تلویزیونی از طریق یکی از خبرنگاران پیامی تهدید آمیز برای رهبر حزب کمونیست فرستاد «به زیوگانف بگویند که او هنوز برای رفت و آمد به محل کارش در پارلمان نیاز به نفر بر زرهی ندارد».

بسیاری از تحلیل گران بی طرف از شدت یافتن مداخله دولت برای تضمین پیروزی یتسین نگران هستند. یتسین در نقض علفی قانون انتخابات عملا

تمامی ماشین دولتی را بکار گرفته است. آزادی مطبوعات و رادیو - تلویزیون عملا نقض شده است. علاوه بر دو کانال دولتی تلویزیون که علنا تبلیغات دولتی را نشخوار می کند و دایما گزارش نظرات، سفرها و گفته های یتسین را به خورد مردم می دهند، اخیرا کانال تلویزیونی غیر دولتی NTY نیز به کمپ یتسین پیوسته است. در ۱۹ فروردین، این کانال یک مصاحبه تلویزیونی طولانی با همسر یتسین انجام داد که جهت اصلی آن معرفی یتسین به عنوان یک مرد خانواده و محبوب بود. اخیرا نیز ایگور مالاشنکو، مدیر عامل این کانال به مقام مسوول دایره اطلاعات کارزار انتخاباتی یتسین گمارده شد. زیوگانف در انتقاد از عملکرد مطبوعات سراسری گفت که گر چه مطبوعات محلی آزادت هستند و گزارش های عادلانه تری می دهند ولی مطبوعات سراسری سعی در چشم پوشیدن بر اعلام مواضع و بیانیه های مطبوعاتی حزب کمونیست دارند. اخیرا نشریه روسکایا گازتا از انتشار برنامه قبل از انتخابات حزب کمونیست سرباز زد.

تحلیل گران مطلع معتقدند در صورتی که انتخابات به دور دوم برسد، به دلیل مبهم بودن بسیاری از قوانین حاکم بر آن امکان مداخله و دستکاری دولت در انتخابات فراوان خواهد بود. برای پیروزی هر کاندیدا در دور اول به بیش از ۵۰ درصد آراء احتیاج دارد.

غول آسیایی بیدار می شود

بر طبق نتایج یک مطالعه همه جانبه جدید تجارت بین چین و ژاپن طی دو دهه آینده به طرز چشم گیری افزایش خواهد یافت و از تجارت بین آمریکا و ژاپن پیشی خواهد گرفت. این امر تبعات عمیق اقتصادی و استراتژیک برای منطقه و جهان خواهد داشت. مشارکت بین چین و ژاپن می تواند منجر به ایجاد یک اقتصاد عظیم «دو زرده» در شمال آسیا بشود. این امر بی شبهات به روابط بین آمریکا و بریتانیا پس از یک قرن تضاد و یا فرانسه و آلمان، شرکای کنونی در جامعه اروپا، نخواهد بود.

به موجب این بررسی چین و ژاپن در سال ۲۰۱۵ در مقایسه با میزان ۱۳ درصدی در سال ۱۹۹۳ تا ۲۸ درصد تجارت جهانی را در دست خواهند داشت. رابطه تجاری بین دو کشور که در سال ۱۹۹۳ ۱/۷ درصد تجارت جهانی بود به ۸ درصد تجارت جهانی خواهد رسید. طبق این بررسی روابط تجاری بین چین و ژاپن در طول دو دهه آینده دگرگون خواهد شد و می تواند اهمیت روابط فعلی تجاری بین آمریکا و ژاپن در رابطه با مبادلات بین المللی را پیدا کند. «برای اولین بار در

دهها سال، چین ممکن است بازار مهمتری برای ژاپن باشد تا ژاپن برای چین». این تحولات تأثیرات عمیق اقتصادی و استراتژیک بر منطقه و جهان خواهد داشت. در حال حاضر ژاپن بزرگ ترین شریک تجاری چین است و این کشور از نظر اهمیت شراکت تجاری با ژاپن در مرتبه دوم قرار دارد. روابط تجاری بین دو کشور در حال حاضر پس از روابط تجاری آمریکا - کانادا، آمریکا - ژاپن، و فرانسه - آلمان در رده چهارم می باشد.

در سال ۱۹۹۵ صادرات ژاپن به چین ۲۱/۹ میلیارد دلار و واردات آن از این کشور بالغ بر ۳۵/۹ میلیارد دلار بود. این به معنای یک تبادل دو جانبه، ۵۷/۸ میلیارد دلاری می باشد که در مقایسه با سال ۱۹۹۴ یک افزایش ۲۵ درصدی را نشان می دهد. بین سال ۱۹۷۲، که دو کشور روابط دیپلماتیک خود را عادی کردند و ۱۹۹۴ تجارت بین دو کشور از ۱/۱ میلیارد دلار به ۴۶/۲ میلیارد دلار (بیش از ۴۰ برابر) رسید.

کشورهای امپریالیستی به توافق نرسیدند

مذاکرات ۳۱ کشور در وین، پایتخت اتریش که با هدف برقراری یک نظام جدید و محدود کردن عرضه اسلحه و تکنولوژی نظامی به رژیم هایی که از سوی امپریالیسم و کشورهای غربی زیر فشار قرار دارند، پس از عدم توافق بین ایالات متحده و روسیه، به شکست انجامید. عدم موفقیت این مذاکرات که کشورهای غربی و نیز کشورهای سوسیالیستی سابق را گرد هم آورده بود ضربه سختی به امیدهای ایالات متحده بود که در صدد است توانایی نظامی کشورهای نظیر لیبی، ایران، عراق، کوبا و کره شمالی را از طریق اعمال نوعی تحریم تسلیحاتی تضعیف کند. روسیه که سنتا اسلحه مورد نیاز برخی از این کشورها را تأمین می کرد در آذر ماه سال قبل موافقت کرد به نظام جدید تکنولوژی نظامی می پردازند که کشورهای عضو آن به تبادل اطلاعات در مورد صدور اسلحه و وسایلی که در مورد استفاده در سلاح های مدرن است. هدف از تأسیس نظام جدید جایگزین کردن Co-Com بود که در دوران جنگ سرد کشورهای غربی برپایه آن از صادرات هر وسیله ای که از نظر تکنولوژیک می توانست دشمنان آنها را تقویت کند، جلوگیری می کردند. فرانسه و روسیه نارضایتی خود را از کوشش های اخیر ایالات متحده برای تنظیم بازار اسلحه بین المللی ابراز کردند معتقدند که واشنگتن از این طریق درصدد تحکیم موقعیت تجاری خود است.

محور اسرائیل - ترکیه، تهدیدی علیه منافع خلق های منطقه

اضافه کرد که «ترکیه تنها کشور منطقه نیست که روابط خود را با اسرائیل بهبود می بخشد». اگر چه این حقیقت دارد که آذربایجان، اردن، عمان و قطر کوشش هایی برای بهبود روابط خود با اسرائیل کرده اند ولی ابعاد و تبعات اقدام ترکیه به مراتب فراتر و عظیم تر از این کوشش ها می باشد. موافقتنامه بین دو کشور می تواند کشورهای منطقه و بخصوص سوریه و عراق را از نظر اقتصادی نیز تحت فشار قرار دهد. اسرائیل قرار است که از طریق تخصص های کشاورزی خود به ترکیه کمک کند. حزب توده ایران و نیروهای ترقی خواه منطقه بدرستی این موافقتنامه را امری در جهت سیاست های توسعه گرایانه امپریالیسم در منطقه و مخاطره انگیز برای منافع خلق های منطقه به ویژه میهن ما ایران می دانند و آن را محکوم می کنند.

تجاوزگرانه» خواند و «تهدیدی مستقیم علیه سوریه، لبنان، عراق و دیگر کشورهای عرب دانست، که نشان دهنده نیت شیطانی اسرائیل و ترکیه در مورد اعراب می باشد». عمرو موسی وزیر خارجه مصر گفت که موافقتنامه «در رابطه با امنیت منطقه بسیار خطرناک است و تشنجات جدیدی را در خاورمیانه به وجود خواهد آورد». روزنامه های ایران خاطر نشان کرده اند که: «ما اکنون باید در مورد حضور هواپیماهای جنگنده جت اسرائیلی در آستانه دروازه های کشورهایمان نگران باشیم». عمر اکبل، سخنگوی وزارت خارجه ترکیه در روز ۲۲ فروردین ضمن تأیید خبر پرواز هواپیماهای اسرائیلی در ترکیه اظهار داشت که «این هواپیماها اسلحه و مهمات و یا وسایل جاسوسی و گزارش گیری حمل نمی کنند. او گفت «روابط با اسرائیل از زمان پروسه صلح خاورمیانه شروع شده است» و

امضای قرارداد همه جانبه اقتصادی، نظامی بین اسرائیل و ترکیه که مرحله نهایی آن در طی مسافرت ۴ روزه سلیمان دمیرل، رئیس جمهور ترکیه به اسرائیل در نیمه دوم اسفند انجام گرفت را باید یک گام جدید و جدی امپریالیسم و صهیونیسم در جهت تقویت مواضع و کنترل بر خاورمیانه و منطقه دانست. ابعاد نظامی این قرارداد که در اساس در ماه بهمن منعقد شده بود ولی در هفته دوم فروردین جزئیات آن فاش شد را می توان از پرواز تمرینی جنگنده های بمب افکن اسرائیلی بر فراز حریم هوایی ترکیه حدس زد. با توجه به وضعیت بحرانی خاورمیانه و به ویژه تبلیغات شدید ایالات متحده و اسرائیل علیه عراق و ایران، وصل کردن مستقیم پیمان نظامی ناتو از طریق ترکیه به اسرائیل را نمی توان امری عادی تلقی کرد. نزدیکی بی سابقه ترکیه و اسرائیل نگرانی های جدی را در منطقه دامن زده است. لیگ عرب موافقتنامه بین دو کشور را «یک عمل

قانون روابط کارگری در آفریقای جنوبی

يك گام به پیش

اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی تاریخچه مبارزه با دگرگونی های وسیع تر اجتماعی دارند. در گذشته، در مقابله با یک دشمن آشکار و رودرو عمل کرده اند، ولی اکنون درک بسیار بغرنج تری از سندیکالیسم دگرگون شونده مطرح است. قانون روابط کارگری دستور کار مبارزه از طریق مذاکره و توافق را توسعه می دهد و آن را شامل موضوعاتی از قبیل خدمات به اعضا و توانایی بر طرف کردن نیازهای متفاوت اعضای مختلف می داند؛ که خود، نیازمند اینست که اتحادیه ها به طور منتقدانه درک خود از عضویت را مورد مطالعه قرار دهند و دلایل مختلفی را که چرا کارگران در دوره پس از آپارتاید به اتحادیه ها می پیوندند، درک کنند.

قانون روابط کارگری این ظرفیت را دارد که نیاز کارگران آفریقای جنوبی را برای یک دوره طولانی مبارزه شان برآورد. از مهم ترین مشخصه های قانون مزبور این است که به دلیل وسعت دید اتحادیه های کارگری امکان اعمال آن در شرایط بغرنج جامعه با توجه به موازنه نیروهای اجتماعی، ممکن و مقدور است. به عبارت دیگر، طبقه کارگر و اتحادیه های کارگری بر پایه قدرت و رشد سازماندهی خود و نیازهای جامعه قادر هستند که از قانون روابط کارگری در جهت منافع خود تفسیر کاراتری بکنند.

گفته سام شیلوا، دبیر کل کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی، طبقه کارگر سازش نکرده است. (کوتاه نیامده است). قانون روابط کارگری به اتحادیه ها اجازه می دهد که مبارزات آینده خود را تحت حمایت قانون انجام دهند، هرگونه کوتاهی در آینده نه به خاطر قانون بلکه محصول ضعف های سازمانی طبقه کارگر خواهد بود.

قانون روابط کارگری را باید در چارچوب شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم در نظر گرفت. برای اولین بار می بایست روابط صنعتی برپایه نتیجه توافق مذاکره بین نیروی کار و سرمایه برقرار شود. این یک پیشرفت مثبت و عظیم در مقایسه با قبل است. اگر اتحادیه های کارگری برای خواست های بیشتری اصرار می ورزیدند، احتمال عدم موفقیت در کنگره ملی برای تصویب قانون جدی بود. آفریقای جنوبی در مقابله با «بحران دو لبه» بیکاری توده ای که ۳۳٪ نیروی کار را شامل می شود و همچنین عدم برابری وسیع و توده ای، کنگره ملی آفریقا از سیاست «رشد از طریق تقسیم دوباره» در زمان رفع ممنوعیت از آن در سال ۱۹۹۰ به سوی سیاست «رشد به همراه تقسیم دوباره» حرکت کرده است. سیاست دولت در حال حاضر تاکید ساده روی «رشد» است.

قانون روابط کارگری تضاد بین نیروی کار و سرمایه را از بین نخواهد برد ولی ضمن تقویت اتحادیه های کارگری می تواند «سهمی عمده در ایجاد آرامش اجتماعی و صنعتی که برای رشد اقتصادی و حکومت قانون اساسی است» و نیز بر طرف ساختن نهای «بحران دوله»، ایفا کند. اگر اتحادیه ها قرار است نقشی سازنده در حل «بحران دوله» ایفا کنند آنها می بایست خواست خود را بر حداقل استانداردهای مورد قبول به نحوی پیاده کنند که به نگرانی عملی ایجاد اشتغال صدمه نزنند.

بهرحال، سیستم مذاکره و بستن قرارداد نمی تواند مبارزه علیه بیکاری و فقر را منتفی کند و در مبارزه برای رشد اقتصادی و باز تقسیم مالکیت و دارایی ها اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی نیاز «به یافتن راه های ابتکاری و نوین شراکت دارند از جمله باز تقسیم مالکیت و دارایی ها نیز مطرح هستند».

همزمان با جشن های اول ماه مه، طبقه کارگر آفریقای جنوبی یکی از عمده ترین ثمرات پیروزی بر آپارتاید را با به تصویب رساندن «قانون روابط کارگری» بدست آورد. قانون مزبور که پس از نزدیک به دو سال بحث و تبادل نظر در ۲۳ شهریور ماه با ۲۸۹ رای موافق در مقابل ۴۲ رای مخالف به تصویب پارلمان رسید، برای اولین بار روابط کار در کارگاه ها را بر اساس ضوابطی تنظیم می کند که از توافق و مصالحه مذاکرات بین نیروی کار و سرمایه حاصل شده است. و بهمین دلیل مهر این مصالحه را نیز بر خود دارد و از برخی جنبه ها نارسا است. البته این امر به هیچ وجه از ارزش و کارایی و اهمیت این قانون نمی کاهد.

قانون روابط کاری شباهت هایی به مدل روابط کارگری در آلمان دارد و مانفرد وایس، متخصص قوانین کارگری آلمان نقش موثری در تهیه طرح اولیه و پایه داشته است. قانون روابط کارگری در نظر دارد روابط بین نیروی کار و مدیریت را در سه عرصه تغییر دهد:

- ۱- تغییر حرکت از رودرویی به سمت همکاری
- ۲- جایگزین کردن مذاکره و تبادل نظر منظم در مورد حقوق و شرایط کار به جای مذاکرات اتفاقی و تصادفی
- ۳- در اختلافات کارگری هدایت به سمتی باشد که به جای برنده و یا بازنده کامل بودن یک طرف، طرفین بتوانند در عرصه ای برنده یا بازنده باشند.

تدوین قانون جدید کارگری وظیفه عاجل دولت آفریقای جنوبی پس از انتخابات ۱۹۹۴ و پایان آپارتاید بود. قانون جدید حق اعتصاب را تضمین می کند، اقدامات اعتراضی در همبستگی با کارگران درگیر در مبارزات کارگری را قانونیت می بخشد، قرارهای دسته جمعی و متمرکز را تشویق می کند، اساس ساختارهای صنفی در کارگاه ها را بدعت می گذارد، امنیت کاری را بهبود می بخشد و یک کمیسیون میانجی گری و حکمیت را پایه گذاری می کند. در جنبش اتحادیه ای، این قانون به مثابه یک گام اساسی در پیشرفت طبقه کارگر ارزیابی می شود هرچند در عرصه هایی پیشرفت عمده ای حاصل نشده است. به

را می توانید بر روی
شبکه جهانی ارتباطات
کامپیوتری Internet
در آدرس زیر مطالعه
کنید.



<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

کمک مالی به حزب توده ایران يك
وظیفه انقلابی است!

آدرس: (لطفاً در مکاتبات خود با آدرس زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خوداری کنید)

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:478

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

23 April 1996

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse